

نامهٔ پولس به افسسیان

بازگفته،
شرح داده،
برای امروز.

GOOD NEWS

نامه پولس به افسسیان

بازگفته، شرح داده، برای امروز.

Hans-Jörg Ronsdorf

به بلندای آسمان

معرفی کتاب

نامه به افسسیان در اینجا با کلمات خود نویسنده بازنویسی شده است، یعنی به شیوه‌ای توضیحی بازگو می‌شود. حجم متن تقریباً سه برابر متن اصلی کتاب مقدس در یک ترجمه کلاسیک و وفادار به لفظ است. این متن جای متن کتاب مقدس را نمی‌گیرد و آن را بهتر نمی‌کند، بلکه کمکی است برای اینکه آن را بهتر بفهمیم و به کار بندیم.

چاپ اول آلمانی، اکتبر 2019

© Hans-Jörg Ronsdorf – همه حقوق محفوظ است

www.hans-joerg-ronsdorf.de

Albis 6 ½

87477 Sulzberg

hj-ronsdorf@t-online.de

ISBN چاپ آلمانی: 978-3-9820715-2-7

به شاگردان در افسس - پیشگفتار

شعاری که به این نامه پولس می‌دهم، «به بلندای آسمان»، سخنی توخالی نیست. همان‌گونه که از فراز کوهی بلند نگاه به هر سو تا افق می‌رود، این نامه نیز همچون دیدگاهی است رو به همه جهت‌ها. به هر سو که بنگرید، فیض و محبت خدا در مسیح، پسرش، به شما روی می‌آورد. این فیضی بی‌مانند است که در ازل گذشته آغاز می‌شود و به پادشاهی جاودانی خدا و مسیح، به جهان تازه او، راه می‌برد. وقتی نامه را یک‌جا بخوانید، بارها درنگ خواهید کرد و خواهید اندیشید: چنین خدایی را سزاوار نبودیم.

بی‌آنکه از ارزش متن‌های دیگر بکاهم، این نامه را اوج عهد جدید می‌نامم. تنها من نیستم که دلباخته آن شده‌ام. الهی‌دانان آن را چنین وصف کرده‌اند: «تاج نوشته‌های پولس»، «الهی‌ترین نگارش»، «شاهانه‌ترین همه نامه‌ها»، «این نامه موسیقی ناب است ... آنچه اینجا می‌خوانیم حقیقتی است که می‌سراید، تعلیمی که به آهنگ درآمده است». «نامه به افسسیان یکی از مهم‌ترین اسنادی است که تاکنون نوشته شده است.»

این نامه، چنان‌که کمتر نوشته‌ای، ذات، سرچشمه و افق، پُری و اثر ایمان مسیحی را وصف می‌کند. این ایمان در پسر خدا لنگر انداخته است، که مرد، برخاست و بر تخت نشست. در مرکز، کار نجات‌بخش و پرفیض خدا برای ما قرار دارد. او از بسیاریان یک واحد می‌سازد. او کلیسا را می‌آفریند. کلیسا خانه او بر زمین می‌شود، جایی که او ساکن است. انسان‌های گمشده انسان‌هایی تازه می‌شوند. نیمه دوم نامه درباره زندگی و روزمرگی انسان تازه است. در همه پیوندهای ممکن زندگی.

زمان نگارش نامه و گیرندگان آن

در این باره سخن بسیار می‌توان گفت. اما برای این کار کتاب‌های خوب دیگر به اندازه کافی هست. پولس این نامه را در سال 62 میلادی نوشت. از زندان. خطاب به کلیساهای آسیای صغیر، در ایالت رومی آسیا، که پایتختش افسس بود. یکی از سه کلان‌شهر بزرگ آسیای صغیر با بیش از 200 هزار ساکن. آنجا غوغایی بود! به سبب موقعیت جغرافیایی و راه‌های تجاری، مرکزی اقتصادی، دینی و سیاسی. دیگ جوشانی از قوم‌های بسیار. و از همین رو، از گوناگون‌ترین دین‌ها و آیین‌ها. هر خانه بت خانگی کوچک خود را داشت که هر روز برایش قربانی می‌کردند. فالگیران، کاهنان جادوگر و تعبیرکنندگان پیشگویی شاخه‌ای محترم از اقتصاد بودند. پرستش امپراتور جایگاهی داشت که نمی‌شد نادیده‌اش گرفت. اما یک خدا، یا دقیق‌تر بگوییم: یک الهه، بر همه چیز برتری داشت: ارطامیس (آرتمیس)، الهه شکار و باکرگی. او دختر زئوس و خواهر دوقلوی آپولون بود. رومیان او را دیانا می‌نامیدند. او از زنان و دختران، به‌ویژه هنگام زایمان، حمایت می‌کرد. در عوض وفاداری می‌خواست، که می‌شد آن را در یکی از بزرگ‌ترین معابد دوران باستان، در افسس، نشان داد. پولس با پوست و گوشت خود تجربه کرد که این الهه در افسس چه نقشی داشت. پولس بیداری بزرگی را در این شهر و منطقه تجربه کرد، و حتی خود سبب آن بود. و برای همین هم رنج بسیار کشید. باب 19 کتاب اعمال رسولان را بخوانید.

گزنفون افسسی (Xenophon von Ephesus) یکی از معدود رمان‌های عاشقانه برجامانده از دوران باستان را نوشت: **Ephesiaka (داستان‌های افسسی)**. احتمالاً در قرن اول پدید آمد. در آغاز و پایان این رمان کوتاه، تصویری زنده از آیین ارطامیس به دست می‌آید، آیینی که اتفاقاً تنها زنان آن را به جا می‌آوردند و بر آن چیره بودند: «در همان زمان جشن ارطامیس، که آنجا رسم بود، برگزار می‌شد. از شهر تا معبد هفت استادیون (1.3 کیلومتر) راه است. همه دختران آن سرزمین می‌بایست با بهترین زیورهایشان در صفی باشکوه به آنجا

بروند [...]». انبوه تماشاگران، از بومیان و بیگانگان، بزرگ بود، زیرا رسم بر این بود که در این جشن برای دختران جوان داماد برگزینند. صف به ترتیب می‌گذشت؛ در پیشاپیش، ابزار آیینی، مشعل‌ها، سبدها، بخور؛ پس از آن اسب‌ها و سگ‌ها و نیز ابزار شکار و جنگ، اما بیشترشان ابزارهای صلح‌آمیز. [...] چون صف گذشت، همه جمعیت برای قربانی به معبد روان شدند.»

در پایان رمان، هنگامی که شخصیت‌های اصلی سال‌ها بعد به افسس بازمی‌گردند، می‌نویسد: «همین که به خشکی پا گذاشتند، همان‌گونه که بودند، بی‌درنگ به معبد ارطامیس رفتند، دعا‌های بسیار کردند، قربانی گذراندند، هدیه‌های نذری تقدیم کردند و لوحی با کتیبه‌ای نیز برای الهه برپا کردند.»

ارطامیس در واقع الهه نگهبان افسس بود و بر همه طبقات جامعه نقش می‌گذاشت. با این تصویر کلی از شهر، نامه برای ما روشن‌تر می‌شود. مردم از اثر نیروها و قدرت‌های نادیدنی الهی می‌ترسیدند. اما پولس مسیح را اعلام می‌کند که بر همه این قدرت‌ها برافراشته شده و بر آن‌ها پیروز شده است.

آیا در قرن بیست و یکم هم بهروز است؟

حقایقی که خدا بر پولس آشکار کرد، و پولس به الهام روح خدا نوشت، فرازمانی‌اند. برای همیشه پابرجا می‌مانند. سخن از خدا و مسیح اوست. همه‌چیز گرد او می‌چرخد، او که نه آغاز دارد و نه پایان.

بت‌پرستی روزگار ما بی‌تندیس بت، بی‌پیشگویی و بی‌قربانی‌های خونین کار می‌کند. اما خدمت بت‌ها و قربانی‌ها بر جای مانده است. کمی متفاوت، اما در هسته همان. آنچه مانده، دلبستگی و سواس‌گونه به قدرت، پول و سکس است. جهان دیجیتال هم به آن افزوده می‌شود، که عرضه‌ای بی‌پایان برای سرگرمی و پراکندگی ذهن دارد. بت‌پرستی امروزی نمی‌خواهد خدایان را آرام کند یا آن‌ها را بخواند، بلکه می‌خواهد خودِ انسان را آرام کند تا اعتیادش به مصرف را تا نهایت سیراب کند.

خودتان قانع شوید! نامه به افسسیان این وضع جهان را بی‌پروا تحلیل می‌کند. پولس امروز هم در معنا آن را جز این نمی‌نوشت. و راه برون‌رفت را نشان می‌دهد. نیز سبک زندگی دیگری را که به معنای واقعی کلمه از آسمان می‌آید.

پولس دین تازه‌ای نیاورد. او مسیح را آورد و با او انسانی تازه. و آزادی از قدرت‌هایی که بر زندگی حکم می‌رانند، به سوی زندگی تازه.

محتوا و ساختار نامه

بخش 1: باب‌های 1-3، بخش تعلیمی (اعتقادی)

بخش	محتوا
جایگاه نجات بخشیده شده در مسیح – وجه اخباری نجات	
باب 1	
آیه های 1-14	ستایش و پرستش خدا: آنچه خدا برای خود طرح می کند و انجام می دهد و آنچه به ما بخشیده است: قصد خدا برای کائنات: مسیح سر همه چیز و ما، کلیسا، بدن او.
آیه های 15-23	آنچه باید بشناسیم: نخست خود خدا، امید، میراث خدا در ما، و قدرت عظیم او برای ما، چنان که در برخیزانیدن مسیح بود.
باب 2	
آیه های 1-10	گذشته و اکنون – نجات خدا: از مرگ روحانی به جایگاه تازه نجات در مسیح، در جای های آسمانی.
آیه های 11-22	دیگر جدایی میان یهودیان و امت ها نیست: هر دو یک انسان تازه و یک معبد می شوند.
باب 3	
آیه های 1-13	خدمت ویژه رسول امت ها: جماعت/کلیسای جهانی عهد جدید، قوم «تازه» خدا، به عنوان قصد ازلی خدا.
آیه های 14-21	آنچه برایش دعا می کنیم: شفاعت و ستایش درباره قدرت روح، شناخت محبت عیسی.
بخش 2: باب های 4-6، بخش عملی – شایسته زیستن	
زندگی روزمره انسان تازه – وجه امری نجات	
باب 4	
آیه های 1-16	اندرز به یگانگی: عطایا و اعضای بدن، و رشد بدن.
آیه های 17-32	انسان تازه: زندگی ای کاملاً دیگر.
باب 5	
آیه های 1-21	زندگی به عنوان فرزندان خدا: گفتار و رفتار همچون تقلیدکنندگان خدا، در تضاد با دنیا.
آیه های 22-33	مسیح و کلیسا: الگویی برای ازدواج مرد و زن.
باب 6	
آیه های 1-9	والدین و فرزندان – غلامان و اربابان.
آیه های 10-24	اسلحه کامل خدا: جنگ روحانی.

سلام و درود 2-1:1

این نامه را پولس برایتان می‌نویسد، نه کسی دیگر. این کار را به‌عنوان رسول می‌کنم، به‌عنوان خادمی که مستقیماً از سوی عیسی مسیح مأموریت یافته است، پسر خدا و پسر انسانی جلال یافته. به اراده او فرستاده او هستم. به شما می‌نویسم، ای مقدسین و عزیزان در پایتخت، افسس، و نیز در سراسر ایالت رومی آسیا. از دل برایتان می‌نویسم. به شما که مانند همه پیروان عیسی، مقدسینی وقف شده برای خدا هستید. ایمان‌آوردگانی از ته دل. همه شما **در مسیح** ریشه دوانده و لنگر انداخته‌اید. با او یکی شده‌اید. برای همیشه به او پیوسته‌اید. از ته دل آرزو دارم که خدا، پدر آسمانی ما، و پسرش، خداوند ما عیسی مسیح، از چشمه آسمانی پایان‌ناپذیرش، فیض و سلامتی بیشتر و بیشتری برای زندگی روزمره‌مان به ما ببخشد. هر روز. تا به مقصد برسیم.

سرشار از عطا در آسمان، در مسیح 1:3

با هم، و هر چه بیشتر، خدای خود را ستایش می‌کنیم. پدر خداوند ما عیسی مسیح را. با دل‌هایی شگفت‌زده و سپاسگزار درمی‌یابیم که او همین امروز هر برکت روحانی ممکن را به ما بخشیده است. هر آنچه ما، به‌عنوان انسان‌هایی که فیض یافته‌اند، می‌توانیم دریافت کنیم، از آن لذت ببریم و تجربه‌اش کنیم، او به ما داد. برکتی که به‌واسطه روح‌القدس به ما می‌رسد و تنها به‌واسطه او می‌توان تجربه‌اش کرد. همه‌چیز در **عالم آسمانی** به ما بخشیده شد. آنجا که مسیح است. همین حالا، در زندگی روزمره، این برکت را داریم. مسیح در جلال آسمانی خانه دارد. و تنها در او این برکت به ما بخشیده شد. آنجا، در عالم آسمانی. به این موضوع باز خواهیم گشت. **همین حالا** این ثروت آسمانی برکت را داریم. و در آن زندگی می‌کنیم. و به‌زودی کاملاً و تمام در جلالی آشکار. اکنون می‌خواهم درباره همه این‌ها شما را دقیق‌تر آگاه کنم.

برکت به تفصیل: برگزیده برای فرزندخواندگی 4:1-5

این ثروت عظیم و بی‌اندازهٔ برکت، پیش از آغاز کائنات به ما وعده داده شد. وقتی هیچ‌یک از ما هنوز وجود نداشتیم. همه‌چیز تنها از او آغاز شد – نه از ما. زیرا او ما را پیش از همهٔ زمان‌ها برگزید. ما را که به انجیل ایمان داریم. تا مقدس و بی‌عیب به مشارکت محبت او درآورده شویم. تا زیر چهرهٔ مهربان او با او زندگی کنیم. به‌عنوان محبوبان، و برانگیخته از محبت او، می‌خواهیم مقدس و بی‌عیب زندگی کنیم. زیرا خدا ما را از پیش معین کرد تا در جایگاه دختران و پسران شاهانهٔ خدا نشانده شویم. این کار را خدا به‌واسطهٔ پسرش کرد. ما باید برای او مانند پسرش می‌شدیم. همان‌قدر که پسرش برای پدرش ارزشمند است، ما نیز باید برای او ارزشمند می‌شدیم. **برای خودش**، برای دلش. چون از آن شاد می‌شود. چون آن را می‌پسندد. چون او محبتی است که خود را می‌بخشد. او ما را در مشارکت خانوادهٔ آسمانی‌اش پذیرفت.

پذیرفته شدن ناسزاوار ما به‌عنوان پسران و دختران خدا، فیض خدا را در روشن‌ترین نور می‌درخشاند. ما برای ستایش فیض پرچلال او قرار داده شده‌ایم. زیرا تنها از فیض چنین شده‌ایم. او ما را در پسر محبوبش برای این کار شایسته ساخت. او همان محبتی را به ما می‌بخشد که به پسرش.

عفو، رستگاری، بخشش 8-1:6

اما ما ناشایسته بودیم. نخست باید چیزی بر ما واقع می‌شد. ما هرگز خودمان - بی‌دخالتم پرفیض خدا - به مشارکت محبت او راه نمی‌یافتیم. ما به رستگاری نیاز داشتیم! در گناهانمان اسیر و مجرم بودیم. رستگاری به واسطه خون عیسی آمد. به واسطه مرگ پسر محبوبش. قربانی او گناهان ما را برای همیشه از میان برمی‌دارد. درست مانند آن زمان در مصر. خون بره فصح برای اسرائیل رهایی آورد. اکنون او همه گناهان و همه نافرمانی‌های ما را بخشیده است. زیرا ثروت فیض او بسیار عظیم است. این فیض را او لبریز ساخت. ما چه سخت به آن نیاز داشتیم. و فیض بسیار لازم بود. درباره آن به ما بصیرت بخشید تا این فیض را با صدای بلند بستااییم. بدین‌سان می‌توانیم فیض رهایی بخش را بارها و بارها از نو و هر چه بیشتر بشناسیم. اما او بسیار بیش از آنچه برای ما کافی بود، به ما شناساند.

راز اراده او 9:1-10

او ما را، به‌عنوان پسران و دخترانش، حتی به نقشه و مشورت ازلی خود راه داد. می‌خواهد بدانیم که برای این جهان و همه کائنات چه در نظر دارد. این نقشه‌ای اضطراری نبود، پس از آنکه انسان‌ها گناه کردند و گمشده شدند. نه، این قصد ازلی را خدا مدت‌ها پیش از گمشدگی و گناه ما، و با وجود آن، داشت. این قصد ازلی امروز دیگر رازی نیست که تنها چند برگزیده ممتاز بتوانند بدانند. نه، همه دختران و پسران او از آن آگاه شده‌اند. او در ژرفای دلش خشنودی بزرگی دارد از اینکه نقشه‌ای پر جلال از محبت و برکت را برای این جهان به انجام رساند. زمانی می‌آید که همه زمان‌های دیگری که انسان‌ها تعیین کرده و به آن شکل داده‌اند، به سر می‌رسند. آنگاه همه چیز از مسیح خدا پر خواهد شد و نقش او را خواهد داشت. از او، که سر است، برکت تا کرانه‌های زمین بیرون خواهد آمد. رهبری از آن او خواهد بود. هر آنچه را در آشوب از هم جدا شده بود، در خود یکی خواهد کرد. همه چیز را دوباره به جای درستش بازخواهد گرداند. آنچه را به هم تعلق دارد، گرد هم خواهد آورد. این یعنی نجات برای کل کیهان. آسمان و زمین را با حضور دیدنی‌اش یکی خواهد کرد. عدنی تازه و بهتر، که بر سراسر زمین گسترده می‌شود، هر آنچه را روزی بود از یادها خواهد برد.

سهم میراث ما در پادشاهی جاودانی مسیح 12:11-12

در مسیح، ما به‌عنوان پسران و دختران شاهانهٔ خدا، وارثان خدا نیز خوانده شده‌ایم. همان‌گونه که روزگاری به 12 سبط اسرائیل با قرعه سهمی از میراث در سرزمین کنعان رسید، این میراث بزرگ و آسمانی، این ملک جاودانی، در مسیح به ما سپرده شده است. ما از پیش، از سوی خود خدا، معین شده‌ایم تا این کمال پر جلال زمان‌ها را با او تجربه کنیم. زمانی که همه‌چیز به سوی آن روان است. ما باید با مسیح یکی باشیم. ما شرافت یافته‌ایم تا در جایگاه افتخار او شریک شویم. آنگاه که او سر همه‌چیز خواهد بود. بدین‌سان شادی و خشنودی خدا حتی از شادی ما بیشتر است. این همین حالا جلال و فیض او را می‌ستاید، اما بسیار بیشتر وقتی آن روز فرا رسد. او به‌راستی به خودش هدیه داد، آنگاه که ما را نزد خود آورد، در مسیح.

این پیام چگونه به ما رسید 14-1:13

این میراث را ما، یهودیان، دریافت کردیم، ما که پیشاپیش چشم‌انتظار مسیح موعود بودیم و به او امید داشتیم. اما امروز این برای شما نیز صادق است، ای امت‌ها در سراسر زمین. شما در انجیل با حقیقتِ خدای حقیقی و زنده روبه‌رو شدید. این همان خبر خوش نجات و رستگاری در عیسی مسیح است. شما این انجیل را پذیرفتید و به آن ایمان آوردید. خدا به ایمان شما پاسخ داد. او شما را به‌عنوان ملک خود پذیرفت. و ملک خود را به‌طور قطعی مُهر کرد. این مُهر روح‌القدس است. او پیش‌تر به‌واسطهٔ انبیا و از سوی عیسی به ما وعده داده شده بود. روح‌القدس گران‌بهاترین و مطمئن‌ترین بیعانهٔ خدا برای این میراث بزرگ است، که هم‌اکنون دربارهاش سخن گفتم. گویی خدا نیاز داشت که این‌گونه آینده‌مان را برای ما ضمانت کند. چه پرفیض است او. این همچون گروی است که با آن امروز اطمینان داریم در جهان آینده نزد مسیح خواهیم بود. یقین به اینکه روزی میراث به‌حق خود را، به‌عنوان پسران و دختران خدا، در حیات جاودانی به دست خواهیم آورد. وقتی آنگاه نقشهٔ نجات خدا، که بی‌نهایت نیکخواهانه است، به انجام رسد، این پیش از همه و بیش از همه به جلال، ستایش و خشنودی خودِ او خدمت می‌کند. از او، به‌واسطهٔ او و برای او این واقع شده است.

دعای شفاعت پولس 15:1-16

از ایمان زنده‌ای که در آن زندگی می‌کنید شنیده‌ام. و از محبتی که بی‌دریغ به همهٔ مقدسین، به همهٔ دختران و پسران خدا، دارید. از این بسیار شادم، و این آرزوی من برای همهٔ جماعت‌هایی نیز هست که از راه موعظهٔ من پدید آمده‌اند. هر روز در دعاهایم خدا را برای شما شکر می‌کنم. برای شما دعا می‌کنم، همچنان که برای همهٔ دیگران.

دعا برای شناخت خدا 1:17

به‌ویژه دعا می‌کنم که خدا را بشناسید. که او به‌واسطه روح به شما عطا کند که **خود او** را بشناسید. و هر چه بیشتر بفهمید. خدای ما را بشناسید! که او کیست و برای شما شخصاً چیست. زیرا او خدای خداوند ما عیسی مسیح است، پدر جلال. نقشه پر جلالی که از آن سخن می‌گویم از او می‌آید. او سرچشمه هر نیکویی و هر جلالی است که ناسزاوار نصیب ما شده است. این خدا را باید پیش از همه و بیش از همه بشناسیم. او از همه خدایانی که می‌شناختید کاملاً متفاوت است. او را در تمامی ذاتش، در ثروت و جلالش بشناسید. او را بیش از همه در عیسی بشناسید. او صورت خداست. روح، خدا را بر ما آشکار خواهد کرد، جلال او را به ما نشان خواهد داد، و آن سرمدی را در دل‌هایمان بزرگ خواهد ساخت. بی‌روح، خدا را نخواهیم شناخت. وقتی روح آشکار می‌کند، برای شادی ما و برای پرستش خداست.

شناختن امید 1:18

بدین سان روشن می شوید و با چشمان دل، با نگاه انسان درونی، عظمت خدا را در مسیح می بینید. به واسطه روح خدا و در ایمان. آنگاه به روشنی می بینیم که خدا ما را برای چه فراخوانده است. چه پر جلال است مقصد ما. چه عظیم است امید ما. ما در جهان تازه خدا با مسیح، که سر است، پیوسته خواهیم بود. نه تنها ما وارثان خداییم، بلکه این میراث از آن خود خداست. ملک کاملاً شخصی اوست، گویی او نیز کسی است که میراثی دریافت می کند. و از آن شاد است. ما، مقدسین، دختران و پسرانش، میراث او هستیم. این به راستی میراثی مشترک است. نفس گیر و عظیم، با توجه به جلال و ثروت خدا که این میراث را به کمال می رساند.

قدرت خدا، آشکارشده در ما و در مسیح 20-1:19

همچنین دعا می‌کنم که قدرت خدا را بشناسید که در شما مؤثر شد و برای شما حاضر است. قدرت و توانایی خدا، که با آن کائنات را از نیستی به هستی خواند، در ما با شکوه کامل نمایان خواهد شد، وقتی میراث خود را به دست آوریم و برای همیشه در آن زندگی کنیم. این تلاش پر قدرت الهی، که خدا برای ما به کار می‌گیرد، یک بار پیش‌تر به روشنی آشکار شده است. آنگاه با تمام قدرتش عمل کرد که خدا مسیح خود را از مرگ ننگین صلیب بیرون کشید و او را برخیزانید. و او را بالاتر از همه چیز، به دست راست خود، بر تخت خود، در عالم آسمانی نشاند. او به عنوان انسانی برخاسته و جلال یافته، بر این بالاترین جایگاه افتخار، بر همه قدرت‌ها و نیروهای روحانی عالم آسمانی نادیدنی پیروز است. آن‌ها این جایگاه را برای خود می‌خواهند، اما تنها یک تن سزاوار آن است: مسیح موعود. این اکنون برای همه زمان‌ها مقرر شده و همیشه چنین خواهد ماند. قدرت‌های شریر و دشمن خدا شکست خورده‌اند. در برابر او می‌لرزند. مسیح بزرگ‌تر است و همه چیز به انقیاد او درآمده است. بدین‌سان او سر، فرمانروا و حاکم بر همه چیز است. همین حالا، و چنان‌که پیش‌تر نوشتیم، روزی آشکارا برای همه.

کلیسا و مسیح - سر و بدن، کاملاً یکی 23-1:21

چه بزرگ و پربرکت است - آدمی به سختی جرئت می‌کند باورش کند - که خدا این مسیح متعال را به‌عنوان سر به کلیسا داده است. جمع ایمانداران، کلیسای جهانی، بدن اوست. مسیح، به‌عنوان سر، روزی‌رسان و نگهبان است. هر دو یک اندام زنده روحانی، واقعی و کامل‌اند. دیدنی در جهان. بیش از این: بدین‌سان حتی خود مسیح نیز در این پیوند با کلیسایش کامل شده و به پُری رسیده است. مسیح، که سر است، پیوسته با کلیسایش از همه پیروان عیسی، در این یگانگی همه‌چیز را، تا هر گوشه کائنات، از جلال خدا پر خواهد ساخت.

خدا ما را در چه حالی یافت 3-2:1

نمایش قدرت خدا تنها در میراث آینده شما آشکار نمی‌شود. این قدرت از همان آغاز داستان خدا با تکتک شما لازم بود. زیرا شما در رابطه‌تان با خدا گویی **مرده** بودید. روی‌گردان از او، زندگی خودتان را می‌کردید. نافرمان نسبت به او، در گناهان بسیار. از خدای حقیقی و زنده جدا بودید، بلکه گویی بریده شده بودید. بی‌خدا، به دست **فرمانروای نادیدنی ظلمت** سپرده شده بودید. این را نمی‌دانستید. گمان می‌کردید آزادید. این رئیس پر قدرت و فرشتگانش حتی بر جهان انسان‌ها اثر می‌گذارند و چیره‌اند. او بر هر دورانی از تاریخ جهان نفوذ می‌کند. انسان‌ها را مستعمره خود می‌سازد تا خدای حقیقی را از یاد ببرند و از او نافرمانی کنند. ما همه پسران نافرمانی بودیم. نافرمانی و گناه را دوست داشتیم. همه ما به این جامعه دور از خدا، که شیطان آن را بازیچه خود کرده بود، تعلق داشتیم. با این حال، خودمان مسئول کارهایمان هستیم. هر جا فرصتی پیش آمد، از ته دل خواهش‌ها و هوس‌های گناه‌آلود را به جا آوردیم. همه چیز در زندگی‌مان گرد این می‌چرخید که چگونه خود را به تحقق برسانیم. هر چه می‌شد به دست آورد، برداشتیم. گمان می‌کردیم آزادیم، و با این حال در گناهانمان اسیر بودیم. روح دنیا را نفس می‌کشیدیم، اما زنده‌هایی مرده بودیم. این ذات ما بود که با آن به دنیا آمده بودیم. در نگاه خدا چنین زندگی‌ای تنها سزاوار خشم او بود.

محبت خدا را نمی‌توان متوقف کرد و ناممکن را ممکن می‌سازد 2:4-

7

اما این خدا با ما کاملاً به گونه‌ای دیگر روبه‌رو شد، نه آن گونه که سزاوارش بودیم! او نسبت به ما سرشار از رحمتی درک‌ناپذیر است، زیرا - کاملاً برخلاف شیطان و خادمانش و همه خدایان دنیا - خدای محبت است! او وضع بی‌امید ما را دید، که هرگز نمی‌توانستیم خود را از آن رها کنیم. و نمی‌خواستیم هم. **خدا دخالت کرد - او به‌راستی ما را دوست داشت.** ما را از این گمشدگی رهایی داد. او با محبتش ما را از این زندان گناه بیرون آورد. ما در خطاهایمان به لحاظ روحانی مرده بودیم. از او جدا و دور بودیم. کاملاً از سرچشمه حیات خدا بریده بودیم. اما خدا ما را از این زندان مرگ رهایی داد. او ما را بیرون کشید، با این کار که ما را همراه با مسیح موعود از مرگ داوطلبانه او برخیزانید و زنده ساخت. قدرت خدا در مسیح چنان عظیم عمل کرد که ما را همراه او به درون زندگی پرتاب کرد. بدین‌سان به رابطه‌ای تازه و واقعی و زنده با او درآمدیم. این نجات و رهایی واقعی از گمشدگی بی‌امید است! سرنوشت ما مُهر شده بود، اما نیکویی بی‌پایان خدا تفاوتی رهایی‌بخش پدید می‌آورد. فیض ناسزاوار چنین است! خدای ما چنین است! اما نجات بزرگ‌تر است و دورتر می‌رود از آنچه هرگز می‌توانستیم تصور کنیم! خدا ما را چنان نزدیک با مسیح موعود پیوند داد که نه تنها با او از مرگ روحانی‌مان برخیزانیده شدیم. ما حتی با او به **عالم آسمانی** صعود کردیم، جایی که او اجازه یافت به دست راست خدا بنشیند. آنجا، در مسیح، اجازه داریم با او بنشینیم و در حضور خدا آرام گیریم. خدا ما را در مسیح نزد خود، به آغوش دلش، آورد. این همین حالا واقعیت است. حقیقتی در زندگی روزمره ما. با این آگاهی، در جایگاهمان به‌عنوان دختران و پسران شاهانه خدا، اکنون برای خدا زندگی می‌کنیم. بدین‌سان به قلمرو آن پیروز آسمانی منتقل شده‌ایم. این جایگاه روزی دیگر تنها در ایمان زیسته نخواهد شد. روزی در رستاخیز آشکار خواهد شد. وقتی بدنی تازه و پرجلال دریافت کنیم. از این جایگاه آسمانی به جهان تازه خدا، به پادشاهی جاودانی

خداوندمان عیسی، وارد خواهیم شد. و آنجا، در مسیح، هدیه‌های فیض باز هم بیشتری دریافت خواهیم کرد. خدا نسبت به ما چه سرشار از فیض و نیکویی است! **برای امروز و فردا.** این فیض در زمان و ابدیت آینده نیز نسبت به ما پایانی نخواهد داشت.

فیض ناسزاوار ما را شاهکار خدا می‌سازد 10-2:8

تمام این عملیات نجات خدا فیضی ناسزاوار بود! ما هیچ سهمی در آن نداشتیم. تنها می‌توانستیم به خدا و مسیح ایمان آوریم و اعتماد کنیم، همان‌گونه که در انجیل شنیده بودیم. **نجات عظیم خدا وفاداری او، عطای او و هدیه اوست!** نمی‌توانم به اندازه کافی بر این تأکید کنم! نه آن زمان آن را می‌خواستیم، نه کاری کرده بودیم که خدا بتواند با آن کاری بکند. همه جلال و همه افتخار تنها از آن خداست! اکنون ما شاهکار او هستیم، آفرینش تازه او در مسیح! در آغاز، انسان‌ها آفریده شدند تا بارور شوند و افزوده گردند. به همین‌سان ما نیز اکنون، به‌عنوان انسان‌های تازه خدا، اجازه داریم کارهای نیک را افزون کنیم. در این باید بارور باشیم. کارهای نیکی را که انجام می‌دهیم، خدا از پیش آماده کرده است. آن‌ها پیش پای ما هستند و منتظرند انجام شوند. آن نیکی‌ای را که خدا به ما کرد، اکنون می‌توانیم به دیگران برسانیم. تا مردم برکت یابند و خدا جلال یابد. تنها او!

نزدیکان و دوران - هر دو آشتی داده شده و به سوی خدا آورده شده 16-2:11

هرگز فراموش نکنید که شما، امت‌ها، از کجا آمده‌اید. چه دور از خدا بودید. از دید اسرائیل، شما را «نامختونان» می‌خواندند. اسرائیل قوم عهد خدا بود، که مُهر عهد، یعنی ختنه، به او عطا شده بود. شما بی‌انتظار مسیح موعود زندگی می‌کردید. نه امیدی به او داشتید و نه حقی بر او. به حق شهروندی اسرائیل هیچ راهی نداشتید. عهدهایی که خدا با آن‌ها خود را به قومش اسرائیل پیوند داده بود، و وعده‌های باشکوهی که به قوم خاص خود داده بود، برای شما نبود. **روی هم رفته: شما به طرزی بی‌امید گم شده بودید.** بی‌کورسویی از امید، آری، بی‌خدای حقیقی اسرائیل، سرگردان در دنیای امت‌ها. خودتان این را چنین درک نمی‌کردید، اما حقیقت همین است. اما اکنون چیزی رخ داده است که برای ما یهودیان غیرمنتظره و برای همه ناسزاوار و شگفت‌انگیز است. شما، امت‌ها، از دوری از خدا، به واسطهٔ مسیح، مستقیماً به حضور بی‌واسطهٔ خدا آورده شده‌اید. تنها به واسطهٔ خون مسیح موعود این ممکن شده است. او شالوم ماست! او صلح میان ما، اسرائیل، و امت‌هاست. او جدایی، یعنی دیواری را که میان ما بود، فرو ریخت. این کار را کرد، با انسان شدن و با باطل کردن احکامی که این جدایی و دیوار را می‌ساختند. او می‌خواست این دو، اسرائیل و امت‌ها را، در صلح یکی کند. حتی می‌خواست آن‌ها را در خود به انسانی کاملاً تازه بیافریند. **همهٔ ما با هم اکنون همین یک انسان تازه شده‌ایم.** تنها فرد به حساب نمی‌آید، بلکه آنچه مشترک است. او، عیسی، آن دو را در یک بدن یکی کرد و با یکدیگر آشتی داد. و هر دو را با هم با خدا آشتی داد. او صلح برقرار کرد. و می‌دانید چگونه این کار را کرد؟ با چه فداکاری و به چه بهایی؟ با صلیب هولناک! با رنج‌های صلیب و مرگ بر صلیب، این دشمنی را به راستی کشت و نابود کرد. آنچه میان ما و خدا ایستاده بود، بر صلیب از میان برداشت.

این پیام باید به همه برسد 2:17

او، مسیح موعود، با پیام صلیب، به واسطه فرستادگانش و به واسطه روحش، در سراسر جهان در راه است. همه انسان‌ها باید آن را بشنوند. به شما که دور بودید، یعنی امت‌ها، و نیز به ما یهودیان، که نزدیک بودیم، این صلح فراگیر و این آشتی اعلام می‌شود. **صلح با خدا و صلح با یکدیگر!** این است پیام انجیل.

ما دعوت شده‌ایم - با دلیری به پیشگاه تخت می‌آییم 2:18

تصور کنید، خدای تثلیث، پدر، پسر و روح، ما را، اسرائیل و امت‌ها را، دعوت می‌کند که با هم نزد او به حضور آسمانی‌اش بیاییم. که به حضور خدای جاودانی، قادر مطلق، قدوس و پرمحبت نزدیک شویم. ما به واسطه عیسی، به نیرو و هدایت روح القدس، به او نزدیک می‌شویم. روح ما را توانا می‌سازد و دلگرم می‌کند که این کار را در ایمان و با اطمینانی شادمانه انجام دهیم. بی‌هیچ ترسی. ترس همه کسانی را که در معبد زمینی‌اش به خدا نزدیک می‌شدند فرا می‌گرفت. اما او اکنون پدر آسمانی ماست. او پسران و دخترانش را دوست دارد! دلش به روی ما گشوده است.

وطنی تازه و خانه‌ای تازه – بنایی تازه 22-2:19

اما همه‌چیز به نیکوترین شکل برای ما دگرگون شده است. شما، امت‌ها، دیگر بیگانه نیستید، دیگر بی‌خانه نیستید، دیگر بی‌وطن نیستید، دیگر انسان‌های درجه دو نیستید. ما هم‌خانگان و اهل خانه خدا شدیم. آری، اکنون همراه ایمانداران اسرائیل در خانه آسمانی او زندگی می‌کنیم، به‌عنوان خانواده او. خدای جاودانی سرانجام خانه‌ای ماندگار بر زمین یافته است، همان که از آغاز در جست‌وجویش بود.

این خانه بر این بنیاد بنا شده است: بر رسولان عیسی و انبیای او. آنان در آغاز اعلام نجات ایستادند، شاهدان رستاخیز و فرستادگان خداوند عیسی بودند. آنان انجیل و تعلیم خداوند ما عیسی مسیح را آوردند. در این خانه، عیسی مسیح سنگ زاویه است، که همه‌چیز بر اساس آن تراز می‌شود. **او که به‌عنوان سنگ تاج، استواری را تضمین می‌کند.** در او تمامی خانه به‌طور کامل تراز شده و استوار به هم پیوسته است. هرچند این خانه به‌واسطه مسیح از پیش کامل است، باز هم رشد می‌کند. همچون اندامی زنده. رشد می‌کند تا معبدی مقدس در خداوند شود. در آن کسی کمتر از خود خدای تثلیث ساکن نیست. شما، امت‌ها، اکنون نیز جزو آن هستید. با ما از اسرائیل، آن زمان در اورشلیم، در پنتیکاست، آغاز شد. و چندی نگذشت که شما نیز سنگ‌های زنده این بنای الهی شدید. به‌واسطه روح‌القدس، که همه ما را با هم به این مسکن خدا بنا می‌کند. با هم مسکن خدا شده‌ایم. روزگاری مسکن او معبدی از سنگ بود. در یک مکان واحد. اکنون معبد او بر سراسر زمین گسترده است. هر جا، هر روز، سنگ‌های زنده در معبدش کار گذاشته می‌شوند. دیوار جدایی فرو ریخته است – اکنون معبد ساخته می‌شود.

راز مسیح، آشکار شده و اعلام شده به واسطه پولس 1:3-7

من، پولس، از اسارت برایتان می‌نویسم. اما من زندانی رومیان نیستم، هرچند چنین به نظر برسد. من زندانی خداوند عیسی مسیح هستم و می‌مانم. او بر همه چیز فرمان می‌راند. بر هر روز زندگی‌ام. برای شما، امت‌ها، در زندانم. به سبب هم‌وطنان یهودی‌ام، که برایشان تحمل‌ناپذیر است که شما، امت‌ها، اکنون پسران و دختران خدا می‌شوید. اما مسیح این وظیفه را به من سپرده است که فیض خدا را به شما اعلام کنم، به شما که در ظلمت بت‌پرستی گرفتار بودید. من هیچ‌یک از این‌ها را خودم ننیدیشیده‌ام. این به شیوه‌ای فراطبیعی بر من آشکار شد. این راز درباره فیض خدا اکنون دیگر راز نیست. آن را هم‌اکنون در چند کلمه برایتان وصف کردم. این راز مسیح است، که از همه انسان‌ها پنهان بود. حتی از ما، قوم دیرین او اسرائیل. اما اکنون روح خدا آن را به تمامی بر رسولان و انبیای عیسی مسیح آشکار کرده است. آنان اکنون آن را می‌دانند و مسیح و فیضش را آشکارا اعلام می‌کنند. بدین‌سان همه ما می‌توانیم بدانیم که در این راز روزگاری چه پنهان بود: اینکه ما از امت‌ها هم‌میراثان خداییم؛ اینکه ما از امت‌ها در بدن مسیح، یعنی کلیسای او، هم‌بدن شده‌ایم؛ اینکه ما از امت‌ها اکنون در وعده‌هایی نیز سهیم هستیم که اسرائیل از دیرباز دریافت کرده بود. هر آنچه اکنون با هم داریم، تنها در عیسی مسیح داریم. در او و به واسطه او خدا ما را رهایی داده و به ما عطا کرده است. **انجیل یگانه پیام قابل اعتماد درباره راز مسیح است.** شما آن را با ایمان پذیرفتید. من خادم این انجیل هستم و همه چیزم را برایش به کار می‌گیرم. این عطای فیض خدا، هدیه‌ای ناسزاوار است، که شایسته شمرده شده‌ام خادم انجیل باشم. به واسطه قدرت او که در من عمل می‌کند، اجازه دارم چنین باشم. می‌خواهم این مأموریت را تا آخرین روزم وفادارانه به انجام رسانم.

راز آشکار شد تا به همه جهان اعلام شود 13-3:8

وقتی به گذشته ام می‌اندیشم، به راستی خود را کمترین کمترین و آخرین مقدس می‌دانم. نمی‌توانم به خاطر این مأموریت بزرگ به خود ببالم. **من باید ثروت بی‌اندازه مسیح را به شما، امت‌ها، تا کران جهان اعلام کنم.** به واسطه موعظه من، هر چه بیشتر کسانی که آن را می‌شنوند، باید درباره این راز روشن شوند. باید بشناسند که خدا چگونه آن را در زمان خودش آشکار کرد. و اکنون به واسطه انجیل در دسترس همه قرار می‌دهد. این پیش از همه زمان‌ها آرزوی دل پرمحبت او بود. اما پنهان ماند تا مسیح آمد. از خدایی می‌آید که همه چیز را آفریده است. با این، بی‌هیچ تردیدی روشن است که با کدام خدا سروکار داریم: نه خدایی که انسان‌ها ساخته‌اند. نه، آن سرمدی، که آغازی ندارد، بلکه خود به همه چیز آغاز بخشید. او پدیدآورنده این راز است. این راز همه آفریده‌ها را در بر می‌گیرد. او آن را از جلال خود پر خواهد ساخت. سخن آخر را خدا می‌گوید. نه قدرت‌ها و نیروها و رئیس‌ان عالم آسمانی نادیدنی. آن‌ها می‌خواهند همه آفریده‌ها را برای خود تصاحب کنند. و انسان‌ها را بازیچه کنند و نابود سازند. قدرت‌های دشمن و نادیدنی نیز آفریدگان خدایند و روزگاری از خانواده آسمانی او بودند. اما بسیاری از آنان از او روی برتافتند. اکنون، به واسطه کلیسای رهایی‌یافته و آزادشده از یهودیان و امت‌ها، حکمت ژرف رهایی‌بخش خدا به آنان نمایانده می‌شود. این قدرت‌ها باید درمانده بپذیرند که قصد ازلی خدا را، که او در مسیح، خداوند خداوندان، به انجام رسانده است، نه شناختند و نه توانستند مانع آن شوند. باید ببینند که چگونه انسان‌هایی که مانند خودشان در گناهان گرفتار بودند، اکنون اجازه دارند جای خود را در خانواده خدا بگیرند. ما در مسیح صعود کرده و جلال یافته، اطمینانی شادمانه و حقی کامل داریم که در ایمان به حضور این خدای پر جلال بیاییم. به پیشگاه تخت آسمانی او. این تخت تنها به اندازه یک زانو زدن از ما فاصله دارد، زیرا ما به عالم آسمانی منتقل شده‌ایم. در هر مکانی می‌توانیم به این تخت نزدیک شویم - تنها

یک گام فاصله دارد. این را نیز قدرت‌ها باید بپذیرند. آن‌ها دیگر اجازه ندارند به حضور آفریدگارشان بیایند.

از وضع پرآزمون من در زندان و در جفا دلسرد نشوید. سرانجام این همه تنها از آن رو پیش آمده است که راز و ثروت مسیح را به شما اعلام می‌کنم. و امتیاز اینکه با دلیری به خدا نزدیک شوید. به یاد آورید که به واسطه خدمت من چه برکت یافته‌اید، همان خدمتی که به سبب آن اینجا در زنجیرم.

شفاعت برای قدرت روحانی، سکونت مسیح در دل و شناخت محبت او 19-3:14

با وجود همه آنچه بر من می‌گذرد، از دعا برای شما باز نمی‌ایستم. بر زانوانم در برابر پدر. او به‌عنوان آفریدگار به همه نام می‌دهد، هم به خانواده‌های آسمانی، یعنی فرشتگان، و هم به ما انسان‌ها. او – به‌عنوان آفریدگار – بالاتر از همه است. از این رو او نخستین و یگانه نشانی برای دعاها می‌است.

به‌طور مشخص از او درخواست می‌کنم که همه شما **قدرت** او را دریافت کنید. آن قدر قدرت روحانی که او در جلال غنی است. باشد که روح او این قدرت الهی را پیوسته در انسان درونی ما جاری سازد. و در جان ما افزون کند.

بدین‌سان **مسیح** می‌تواند به‌واسطه کار روح خدا در دل‌هایتان، در درونی‌ترین بخش وجودتان، در اندیشه‌هایتان، **جا پیدا کند**. صداها و چیزهای بسیاری پیوسته می‌خواهند فضای دلتان را اشغال کنند. بگذارید او همیشه مقدم باشد.

بدین‌سان در **محبت** او ریشه دوانده و استوار لنگر انداخته خواهید بود. محبتی که با سپاس دریافت شده و هر روز نیز به دیگران داده می‌شود، و شما را با همه مقدسین، با همه وقف‌شدگان برای خدا، به هم جوش می‌دهد.

به‌ویژه با هم، در مشارکت، در جاهای بسیاری که شاگردان عیسی گرد هم می‌آیند، پهنای درازا، بلندی و ژرفای درمی‌یابیم، تمام گستره قصد ازلی خدا را. این نقشه ازلی خدا را بارها و بارها پیش چشم خود نگه دارید. این نقشه از **محبت مسیح**، که بی‌کران و بی‌مانند عظیم است، پر است. محبت او بود که همه این‌ها را ممکن ساخت. این محبت مسیح بزرگ‌تر از آن است که هرگز بتوانیم بفهمیم. می‌تواند بارها و بارها ما را عمیقاً متأثر و شگفت‌زده کند و به پرستش بکشاند. این قصد عظیم را بکاوید و دوست بدارید. انجام ندادن این کار برای دختران و پسران خدا مایه شرمساری می‌بود. زیرا تنها بدین‌سان از مسیح و از خود خدا پر و سرشار می‌شویم. **این همین حالا تکه‌ای از آسمان بر زمین است.**

همه جلال از آن قادر مطلق که در ما عمل می‌کند - از سوی قومش 21-3:20

چه خدایی! خدایی که هر کاری از او برمی‌آید. و بسیار بیش از آنچه می‌اندیشیم و طرح می‌ریزیم، امید داریم یا درخواست می‌کنیم. به واسطه قدرتش که در ما عمل می‌کند. امروز و تا ابد. همه حرمت و جلال از آن او باد. تنها می‌توانیم با ستایش اقرار کنیم و بپرستیم که ای خدا، تو صاحب چه جلالی هستی. در میان کلیسایت، در خانه‌ات، جایی که دوست داری ساکن باشی، آنجا همه حرمت و دلبستگی، محبت و پرستش از آن توست، در مسیح: امروز، فردا و برای همیشه و همه زمان‌ها. آمین.

اینجا نیمه نخست نامه به پایان می‌رسد. سخن بر سر این بود که خدا چگونه ما را نجات داد و بی‌اندازه برکت داد. در نیمه دوم سخن بر سر این است که خدا چگونه تمام زندگی ما را زیر و رو می‌کند. ما به واسطه دخالت خدا انسان‌هایی تازه شده‌ایم. و اینکه انسان‌های تازه چگونه زندگی می‌کنند، موضوع نیمه دوم است. به بسیاری از عرصه‌های زندگی پرداخته می‌شود و «پیش» و «پس» در برابر هم نهاده می‌شوند. سخن بر سر این است که آنچه هستیم را زندگی کنیم. از نجات و از فیض، حیات خدا را زندگی کنیم. با هم‌ایمانان و هم‌نوعانم، با همسران و فرزندان.

یگانگی پرمحبت را زیستن، پروردن و پاس داشتن 1:4-3

من، که در خداوند عیسی زندانی‌ام، شما را تشویق می‌کنم که فراخوانی پرجلال خدا آشکارا در زندگی روزمره‌تان بازتاب یابد. او شما را آن چیزی ساخته است که اکنون در مسیح هستید. این را هم‌اکنون در نامه‌ام وصف کردم. خدا ما را به واسطه انجیل فراخواند. زندگی‌تان باید کاملاً با این فراخوانی پرجلال خدا هماهنگ باشد. و این یعنی هیچ چیز جز اینکه همان‌گونه زندگی کنیم که عیسی زندگی کرد. تقلیدکنندگان او باشید. این شامل آن است که در زندگی با هم، رفتاری با یکدیگر داشته باشید که سرشار از **فروتنی و ملایمت و بردباری** باشد. خود را بزرگ نشان ندهید و مغرور نشوید. هیچ‌کس را نرنجانید، نه با سخن و نه با کردار. به دیگری فرصت دهید، اگر لازم است، تا طرز فکرش را عوض کند. خود را جای او بگذارید. دیگری را با ضعف‌ها و خطاهایش به واسطه محبت خدا تحمل کنید. **آخر خود خدا نیز با تکتک ما همین کار را می‌کند.**

سخن از چیزی کمتر از **یگانگی** همه مقدسین نیست. خدا آن را می‌خواست و آن را دوست دارد. آن را پیش‌تر برایتان وصف کردم. روح خدا آن را آفریده است. تنها او این یگانگی را ممکن و تجربه‌پذیر می‌سازد. اما این یگانگی شکننده و آسیب‌پذیر است، از این رو باید آن را همچون **گنجی گران‌بها** پاس داریم و حفظ کنیم. **یگانگی روح** در واقع گنج خداست. این همان است که دل خدا مشتاق آن است و در ذات خودش و قصد ازلی‌اش ریشه دارد. این یگانگی را به ما هدیه داده است. این یگانگی دیدنی، زیسته و عملی همه پسران و دختران خداست. **این یکسانی یا یکسان‌سازی نیست، یک برنامه یا مراسم نیست، بلکه تصمیمی است برای پیوستگی، همبستگی بی‌قیدوشرط گوناگون‌ترین انسان‌ها از همه نژادها و طبقات اجتماعی و تیپ‌ها در عیسی.** از این رو یکی بودن در یک بدن سزاوار تمام توجه و کوشش ماست. باید با رشته صلح به هم بسته باشیم، گویی به هم زنجیر شده‌ایم. تنها بدین‌سان این یگانگی گران‌بها در عمل حفظ می‌شود. باید در پی این صلح بکوشیم تا هرگز از دستمان نگریزد.

یگانگی‌ای باشکوه و جلوه‌های آن 4:4-6

این یگانگی همهٔ مقدسین، همهٔ شاگردان، بر یگانگی‌ای هفت‌گانه بنا شده است. این یگانگی از ما بزرگ‌تر است و با این حال ما جزئی از آنیم. در آن ریشه دوانده‌ایم. به واسطهٔ ما دیدنی می‌شود: یک بدن، انسان تازه، از همهٔ پسران و دختران در سراسر جهان، آفریده شده به واسطهٔ روح خدا.

یک روح، که پیوند می‌دهد – نه روح‌های بسیار که جدایی می‌آفرینند.

یک امید، که ما را به سوی هدف بزرگ و حماسی خدا جهت می‌دهد و یکی می‌کند.

یک خداوند یگانه، عیسی مسیح، برای همه، که از همهٔ اربابان و قیصرهای جهان بزرگ‌تر است، و همهٔ ما با شادی او را خدمت می‌کنیم.

یک ایمان ما را یکی می‌کند، که به واسطهٔ رسولان و انبیا به ما اعلام و سپرده شد.

یک تعمید نشان ویژهٔ ماست، در آب، که با آن هر شاگرد در برابر خدا و انسان‌ها و قدرت‌های نادیدنی شهادت می‌دهد که مسیح مرد و برخاست، و ما با او.

یک خدا و پدر حقیقی و زنده برای همهٔ پسران و دختران خدا، که در این یگانگی عمل می‌کند، که بر فراز همه بر تخت نشسته است، به واسطهٔ همه عمل می‌کند و در همه ساکن است.

مسیح عطایای فیض را تقسیم می‌کند که در خدمت یگانگی‌اند 4:7-

11

همان‌گونه که فیض خدا به من، پولس، بخشیده شد، به هر کسی هم که به این یگانگی روح تعلق دارد، فیضی ویژه بخشیده شده است. هر کس باید با این عطای فیض فردی به این یگانگی خدمت کند. و کمک کند تا حفظ شود. با وجود همه تفاوت‌ها. این عطا را خداوند جلال‌یافته ما عیسی به هر شاگرد بخشیده است، آن هم به هر کس جداگانه، چنان‌که در حکمت الهی‌اش برای هر کس مناسب تقسیم کرده است. **به اندازه‌ای که هر کس بتواند آن را حمل کند و به کار گیرد.**

این عطایا، که مسیح به هر یک از ما تقسیم کرده است، ثمره پیروزی عظیم اوست. هرگز فراموش نکنید که او همه چیز را داد تا ما بتوانیم این فیض را دریافت کنیم! به مزمور 68 می‌اندیشم، که از خداوند سخن می‌گوید، همچون جنگاوری توانا که در نبردی روحانی از کوه باشان، یعنی حرمون، بالا می‌رود و آن را فتح می‌کند. دشمنان نیرومند، گاوان نر باشان، همان قدرت‌های ظلمت‌اند که اکنون بارها از آن‌ها سخن گفته‌ام. آن‌ها شکست می‌خورند و به اسارت پایین برده می‌شوند. آن‌ها غنیمت او هستند. همین‌گونه مسیح این قدرت‌ها را، که شما را نیز در اسارت نگه داشته بودند، به واسطه صلیب بر جلجتا شکست داد. **مسیح پیروزمند است و با ظفر به عالم آسمانی صعود کرده است.** و از آنجا در روح خود، در پنطیکاست در اورشلیم، فرود آمد. روح مسیح با عطایای فراوان فرود آمد، که آن‌ها را تقسیم کرد و به بدنش، کلیسایش، داد. هر دو، صعودش و فرود آمدنش، رژه‌های پیروزی‌اند. او بر زمین فرود آمد، نزد ما، تا با سخاوتی شاهانه، به عنوان جنگاور پیروز، عطایا را میان ما تقسیم کند. مسیح، که مرد و از مرگ برخاست، به سوی تخت آسمانی خدا صعود کرد تا همه چیز را از حضور پرجلالش پر سازد. هر گوشه کائنات، درست مانند زندگی روزمره ما، باید از مسیح پر باشد و پر خواهد شد.

عطایای فیض در عمل - خدمت، یگانگی، شناخت، رشد، بلوغ، حقیقت و محبت 16-4:11

آیا مسیح، پس از صعودش، کلیسایش را به حال خود رها کرد؟ نه، زیرا او انسان‌هایی را به‌عنوان عطایا به کلیسایش داد. پنج تا را اینجا نام می‌برم. آنان از سوی او به‌عنوان **رسولان، انبیا، مبشران، شبانان و معلمان** عطا یافتند و توانا شدند. خدمت و کوشش آنان، با عطای فراطبیعی و روحانی‌شان، برای این است که همهٔ مقدسین، همهٔ شاگردان، برای خدمت ویژهٔ خود تجهیز و آماده شوند. آخر برای همین است که **همه** عطای فیض را از مسیح دریافت کرده‌اند. هر کس عطایی و بدین‌سان وظیفه‌ای دریافت کرده است. عطا و وظیفه باید به‌واسطهٔ خدمت پنج‌گانه شناخته شوند، پرورش یابند و به چالش کشیده شوند.

خدمت این پنج عطا، و همچنین خدمت همهٔ کسانی که به یگانگی روح تعلق دارند، برای بنا و حفظ بدن مسیح است. تا وقتی بر زمین هستیم، این بدن روحانی مسیح به کوشش فعال و فداکارانه و مشارکت همهٔ اندام‌هایش، اعضایش، نیاز دارد. ما همین حالا بدن مسیح هستیم، اما باید آن را در عمل نیز زندگی کنیم. هدف بنا و رشد این است: **یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا**. همهٔ ما در راهیم، اندک‌اندک می‌شناسیم. گاه ناآگاهیم، ناخودآگاه به باورهای نادرست چسبیده‌ایم، پسر خدا را به اندازهٔ کافی روشن نمی‌شناسیم. از این رو به دیگران با عطایایشان نیاز داریم. ما باید **با هم** رشد کنیم و بالغ شویم. تا بلوغ کامل انسانی بالغ. این هدفی است که تعیین شده است. این بالغ بودن چیزی جز پُری مسیح نیست.

تجهیز و رشد لازم است تا دیگر مانند کودکان نابالغ نباشیم. این یعنی اینکه نتوانیم هیچ چیز را از دیدگاه خدا داوری یا ارزیابی کنیم. اگر در ایمان پیشرفت نکنیم، مانند قایق بادبانی‌ای هستیم که بی‌سکان با باد به این سو و آن سو رانده می‌شود. باد تعالیم و معلمان دروغین می‌تواند ما را با خود ببرد. این تعالیم دروغین بارها حتی فریبی عمده‌ای، گمراهی‌ای حيله‌گرانه که طراحی شده تا درست همان نابالغان را گمراه کند. **پس دیگر نوزاد و کودک خردسال نباشید!**

بلکه راستگو باشید و به حقیقت بچسبید. اما با محبت به یکدیگر و نه با فضل‌فروشی. آری، بگذارید هر آنچه می‌کنید به این کمک کند که به سوی او، به سوی مسیح، که سر است، رشد کنیم. از او نیز تمام بدن رشد می‌کند، چون از این مرکز آسمانی به لحاظ روحانی تغذیه می‌شود. به واسطهٔ مسیح، بدنی که از شاگردان بسیار است، کاملاً به هم پیوسته و مرتبط است. به واسطهٔ مفصل‌های روحانی، یعنی هر محل اتصالی که چیزی می‌رساند، به واسطهٔ ماهیچه‌ها و زردپی‌ها، بدن پشتیبانی و تغذیه می‌شود. هر شاگرد، به اندازهٔ فیضی که دریافت کرده، به رشد بدن کمک می‌کند. یا هم نه، اگر فیضی را که دریافت کرده برای خود نگه دارد و به دیگران نرساند. آنچه هر عضو، هر شاگرد، به واسطهٔ خدمتش به این بدن می‌افزاید، پیشرفت و رشد کل را پدید می‌آورد. این را البته نمی‌توانیم مستقیم و به‌تمامی ببینیم، چون بر سراسر زمین گسترده است، اما خدا آن را می‌بیند و کل را در دست خود نگه می‌دارد.

همان‌گونه که هر بدنی خود را می‌سازد و زنده نگه می‌دارد تا رشد کند، و به کار خود می‌پردازد، بدن مسیح نیز چنین است، که در محبت خدا خود را بنا می‌کند. این دربارهٔ کلیسای جهانی صدق می‌کند؛ او یگانه بدن مسیح است. حتی وقتی که این بدن و یگانگی‌اش را نمی‌بینیم یا تنها اندکی می‌بینیم.

زندگی بدون خدا چگونه است 17:4-19

این رشد و شکل گرفتن تنها وقتی کامیاب می‌شود که دیگر مانند امت‌هایی زندگی نکنید که روزگاری از آنان بودید. شما را در خداوند سوگند می‌دهم. آنان کاملاً به جهان‌بینی بی‌معنا و سطحی خود باور دارند و انجیل را رد می‌کنند. اندیشه و فهمشان دربارهٔ خدا، و بدین‌سان دربارهٔ خودشان، کاملاً تاریک شده است. آنان از خدا جدا هستند، گویی در گناهان مرده‌اند، چنان‌که پیش‌تر گفتم. آنان زندگی با خدا را نمی‌شناسند، و از همین رو همه‌چیز را کم دارند. دربارهٔ خدا ناآگاه‌اند، و در این باور خود مانند سنگ سخت‌اند. در عقیدهٔ خود سیمانی شده‌اند. نسبت به هر آنچه از خدا می‌آید کاملاً بسته‌اند. در نتیجه بسیاری از آنان همهٔ حس خود را نسبت به آنچه نیک، شایسته، سودمند و درست است از دست داده‌اند. آنچه برایشان می‌ماند و خود را در آن به تحقق می‌رسانند، عیاشی بی‌مهار و منحرف ساختن هر نیکویی‌ای است که خدا در آغاز در آفرینش خود بخشیده بود. آنچه خدا روزگاری برای برکت و لذت آفرید، به ناپاکی کج می‌شود و با حرص و طمعی سیری‌ناپذیر مصرف می‌گردد. بدین‌سان امت‌هایی که کم‌وبیش این‌گونه زندگی می‌کنند، در بی‌معنایی و پوچی، ناامیدی، اسارت، وابستگی‌ها و گمشدگی به سر می‌برند.

چگونه می‌توان به‌گونه‌ای دیگر زیست؟ 24-4:20

تنها خدا می‌تواند ما را از چنین زندگی‌ای بیرون آورد. به‌راستی برخیزانیده شدن لازم است تا انسانی تازه شویم. خدا این کار را کرد. در مسیح. وقتی مسیح را شناختید، او درست عکس آن چیزی بود که شما بودید. حقیقتی که عیسی اعلام کرد، کاملاً چیز دیگری است. باید سخنان او را بیاموزیم و به جا آوریم. سخنان و تعالیم او در آسیای صغیر به شما اعلام شده است. آن‌ها به زندگی‌ای کاملاً دیگر راه می‌برند. زندگی کهنه ما، زندگی امت‌ها، به انسان کهنه ما تعلق دارد. آن را کنار گذاشته‌ایم و از تن به در آورده‌ایم، مانند ردایی کهنه، فرسوده و کثیف. این انسان کهنه، به‌واسطه همه هوس‌های فریبنده‌ای که در آن‌ها زندگی می‌کند، مانند کالایی فناپذیر فاسد می‌شود. او همین حالا آنچه را می‌کارد درو می‌کند. او همان می‌شود که می‌ستاید و می‌پرستد. اما شما پیوسته به‌واسطه روح خدا در اندیشه‌تان و در تمامی نگرشتان به زندگی نو و تازه می‌شوید. به‌واسطه مشارکتتان با یکدیگر و به‌واسطه کلام مسیح. تا مانند انسان‌های تازه زندگی کنید. اکنون از درون، نیکی را برمی‌گزینید. از روی اعتقاد. زیرا انسان تازه را مانند جامه‌ای نو پوشیده‌اید که همه می‌توانند ببینند. این انسان تازه به‌واسطه خدا آفریده شده است. تنها از همین رو این انسان تازه آن‌گونه زندگی می‌کند که کاملاً با ذات خود خدا سازگار است. یعنی با حقیقت، عدالت و قدوسیت او.

زندگی تازه چگونه است 32-4:25

اینکه خدا زندگی ما را چنین ریشه‌ای نو ساخته است، در چیزها، موقعیت‌ها و کارهای کوچک و بزرگ دیده می‌شود. **دروغ** دیگر نباید وجود داشته باشد. همیشه با همسایه‌تان **حقیقت** را بگویید و برای یکدیگر نقش بازی نکنید. آخر ما مانند اعضای یک بدن به‌طور زنده به هم پیوسته‌ایم! به‌عنوان برادران و خواهران ایمانی. وقتی نسبت به دیگران خشمگین هستید، بسیار مراقب باشید که گناه نکنید. **خشم** احساسی طبیعی و انسانی است. اما اغلب، اگر نگوییم بیشتر وقت‌ها، خشم ما گناه‌آلود است، چون بیش از حد تند، اغراق‌آمیز و همچنین ناموجه است. اگر رودررو بر همسایه‌تان خشم گرفتید، که نباید چنین می‌شد، به هر حال نخستین فرصت ممکن را بجوئید تا آن را برطرف کنید و آشتی کنید. اگر چنین نکنید، راه را برای ابلیس می‌گشایید و به او فرصت می‌دهید تلخی، و باز هم خشم گناه‌آلود بیشتر، بکارد. **دزدی** نیز دیگر نباید وجود داشته باشد. به جای اینکه کار را بر خود آسان کنید و چیزی بردارید، برایش کار کنید و آن را به دست آورید. پس دستانتان را برای دزدی به کار نبرید. برعکس: آن‌ها را به کار ببرید تا به کسانی که سخت نیازمندند و در تنگی‌اند چیزی ببخشید. همچنین مراقب باشید **چگونه سخن می‌گویید** و چه می‌گویید. نشانه انسان تازه این است که سخنان گندیده، زشت و آزارنده یا بی‌محبت بر زبان نیاورد. بلکه سخنان نیکو بگویید که دلگرمی می‌دهند و فیض خدا را برای شنوندگان‌شان بزرگ می‌سازند.

وقتی کاری می‌کنید، سخنی می‌گویید یا فکری می‌کنید مانند انسان کهنه‌تان، آنگاه **روح القدس خدا را می‌رنجانید و آزرده می‌کنید**. او در ما ساکن است و می‌خواهد کمکمان کند تا به‌عنوان انسان‌های تازه زندگی کنیم. او **مهر خدا** بر ماست. او امنیت و ضمانت ماست که به روز رستگاری – وقتی میراثمان را به دست آوریم – خواهیم رسید. این روح القدس در مورد گناه بسیار حساس است. بیش از آنچه گاه می‌اندیشیم. چه غم‌انگیز است وقتی در حضور بی‌واسطه او درست همان کاری را می‌کنیم که او می‌خواهد از زندگی ما بیرون کند. از این رو بیایید حیات او را، که

در انسان تازه به ما بخشیده است، زندگی کنیم. باید آن شویم که هستیم! روح ما را توانا می‌سازد!

زندگی انسان‌های کهنه با یکدیگر اغلب سرشار از تلخی، غیظ و خشم و فریاد و ناسزاگویی به یکدیگر است. این به‌سادگی شرارت است. اکنون با یکدیگر کاملاً دیگرگونه باشید. نسبت به آنان نیز. **مهربان باشید، همدردی‌تان را نشان دهید و وقتی دیگران رنج و فقدان را تجربه می‌کنند، با ظرافت رفتار کنید. اکنون همیشه آماده باشید که ببخشید و فیض نشان دهید، وقتی به شما ستم می‌شود.** این بزرگ‌ترین کاری است که می‌توانید بکنید، زیرا خدا نیز همه چیز را به واسطهٔ مسیح به شما بخشیده است. شما خودتان نمی‌توانستید در برابر خدا چیزی را جبران کنید و کاملاً به بخشش پرفیض خدا وابسته بودید، چنان‌که پیش‌تر گفتم. این بزرگ‌ترین چیزی است که به شما هدیه شد: فیض او.

چه خوب است اگر دربارهٔ یک مسیحی گفته شود: درست مثل پدرش - درست مثل عیسی 2-5:1

شما محبوب خدا هستید! شما فرزندان او هستید! حیات جاودانی او را در خود دارید. دل او در شما می‌تپد: **شما باید و می‌توانید تقلیدکنندگان خدا و پدر آسمانی ما باشید.** این بیش از همه در محبت خدا دیده می‌شود. بیایید در محبت زندگی کنیم. رفتار ما با یکدیگر و انگیزهٔ ما برای هر کاری که می‌کنیم، محبت باشد. عیسی مسیح از سر محبت به ما، خود را به‌عنوان قربانی نیابتی برای ما به مرگ سپرد. هرگز محبتی بزرگ‌تر از این نبوده است. این قربانی محبت همان است که خدا را خشنود می‌سازد. رسالت زندگی او قربانی‌ای تمام‌سوز برای خدا بود. این قربانی خدا را بی‌اندازه حرمت نهاد، جلال داد و شاد ساخت. نزد ما نیز باید و می‌تواند چنین باشد!

رابطه جنسی از دو دیدگاه 3:5-10

اکنون به موضوعی می‌پردازم که در جامعه ما، نزد شما در افسس، و نیز در سراسر جهان رواج دارد: **رابطه جنسی آزاد، بی‌بندوباری جنسی، پورنوگرافی و حرص.** خود را کاملاً از آن دور نگه دارید. حتی در اندیشه! و نیز در گفت‌وگوهایتان. این زیستن آزادانه میل جنسی هیچ ربطی به محبتی ندارد که خود را می‌دهد و می‌بخشد، همان که هم‌اکنون از آن گفتم. درست عکس آن است. در آن، انسان‌ها قربانی می‌شوند. حتی شوخی کردن یا لطیفه گفتن درباره این نوع رابطه جنسی، آری، حتی تنها سخن گفتن از آن، شایسته مقدسین و انسان‌های وقف‌شده برای خدا نیست. هر فکر و هر سخنی درباره آن را بیرون برانید، تا این زندگی پوچ و بی‌معنا دیگر هرگز به شما نرسد. شوخ‌طبعی و لطیفه‌های ظریف گناه نیستند، اما لطیفه‌های کثیف درباره رسوایی‌ها و پرحرفی ابلهانه، پوچ و سطحی با پادشاهی خدا سازگار نیستند. از دل‌ها و اندیشه‌هایتان باید شکرگزاری برآید، هیچ چیز جز سپاس. **از چیزهایی سخن بگویید که می‌توانید برایشان خدا را شکر کنید. و سپس همین کار را هم بکنید!**

باید بشناسید و به آن پایبند بمانید: کسانی که بیرون از عهد ازدواج میان مرد و زن یا بدون آن رابطه جنسی آزاد دارند، بی‌بازگشت و توبه هرگز به پادشاهی خدا و خداوند عیسی راه نخواهند یافت. آنان به هوس جنسی خود تن می‌دهند و در آن زندگی می‌کنند، گویی بتی است که آن را می‌پرستند. آنان - برخلاف شما - هیچ میراثی در آینده خدا نخواهند داشت. پس در این امر نگذارید از این موضع روشن خدا دور شوید، گویی این همه چندان بد نیست و نباید جدی گرفته شود. آنان گمان می‌کنند روشن‌اندیش‌اند و در نورند. ادعا می‌کنند که نباید شهوت خود را مهار کرد، بلکه باید آن را زیست، و خود را به تحقق رساند. اما این دروغ است. **انسان‌ها خود را فریب می‌دهند.** زیرا خدا هرگز آن را چنین در نظر نداشت.

رابطه جنسی، به‌عنوان عطای خدا، شگفت‌انگیز و مقدس است و برای ازدواج بخشیده شده است. اما کسی که بی‌مهار از هوس جنسی خود پیروی می‌کند، سراپا

نافرمان است. او همین حالا در زندگی اش حس خواهد کرد که چنین زندگی ای چه پوچ و تنهاست، وقتی محبت در تعهد و وفاداری زیسته نشود. **در پایان، خشم مقدس و عادلانه خدا بر آنان خواهد آمد. ما آنگاه اجازه خواهیم داشت میراثمان را در جلال خدا و پادشاهی او به دست آوریم.**

پس از این انسان ها نباشید. و با نظر و نگرش آنان به زندگی همراهی نکنید و از آن پشتیبانی نکنید. زمانی که شما نیز درست همین گونه زندگی می کردید، برای شما دیگر برای همیشه گذشته است. شما دیگر در ظلمت نیستید. شما - و نه آنان - اکنون به نور آسمانی مسیح منتقل شده اید. اکنون نیز همین گونه زندگی کنید. به عنوان بینایان، و کاملاً متفاوت از این انسان ها. از کارهایشان کناره بگیرید. نور آسمانی هر چه بیشتر در زندگی ما میوه می آورد: نیکویی، عدالت و حقیقت. **اکنون می پرسید چه چیزی خداوند را خشنود می سازد. نخست نپرسید چه چیزی شما، یا مردم پیرامونتان را، خشنود می سازد.**

بازگشت به گذشته ممکن است - راه بازگشت به نور خدا نیز 5:11-14

اگر کسی از شما دوباره به چنین کارهایی بازگردد، خود را با این کارهای بی‌ثمر ظلمت یکی نکنید، با پوشاندن آن‌ها در سکوت یا حتی تنها تحمل کردنشان. شجاعت داشته باشید که این چیزها را به روشنی به نام بخوانید. آنچه آنان در پنهان می‌کنند، چنان شرم‌آور است که اصلاً نمی‌توان از آن سخن گفت. و وقتی این کارها را محکوم می‌کنید، نه از آن روست که این نظر شخصی شماست، بلکه از آن رو که موضع و حقیقت خداست. نور مقدس او ماهیت این کارهای نامقدس را آشکار می‌سازد. به آنان هشدار دهید که این کارها بی‌گمان به آنان زیان خواهد رساند. اگر کسی از شما به این زندگی کهنه بلغزد، آن سخنان آشنا را با اصرار به او بانگ بزنید: **بیدار شو**، از خواب روحانی و حالت نیمه‌هشیاری‌ات. از میان مردگان برخیز، زیرا مانند کسانی زندگی می‌کنی که خدا را نمی‌شناسند. **آنگاه مسیح باز بر تو خواهد درخشید**، و خواهی دید که به‌عنوان فرزند خدا به کجا تعلق داری.

خطر در همه جا - شمردن روزهایمان را به ما بیاموز 17-5:15

می بینید، خطرها برای ما فرزندان خدا همه جا در کمین اند. با دقت بنگرید که چگونه زندگی می کنید. به عنوان مسیحی بی فکر، ساده لوح یا سطحی زندگی نکنید. مانند کسانی زندگی کنید که حکیم اند، که خود و آنچه را برایشان پیش می آید در نور حقیقت خدا می آزمایند. زیرا زمانه ما شریر است. ما در منطقه ای بی طرف زندگی نمی کنیم، بلکه در میان مردمی در جامعه ای که از خدا دور است. این جامعه می خواهد دوباره از آن باشیم. وقتی را که برایتان مانده است دریابید. آگاه باشید که روزهای زندگی ما شمرده شده و محدودند. اراده خداوند و سرور ما مسیح تنها چیزی است که به حساب می آید. تنها با به جا آوردن اراده اوست که می توانیم وقت را دریابیم.

پُر شدن از روح در ستایش مشترک خدا 21-5:18

با الکل مست و سرمست نشوید. حتی وقتی برای شام خداوند گرد هم می‌آیید. از این راه اغلب همان گناहانی رخ می‌دهد که از آن‌ها سخن گفتم. کسی که مست می‌شود، بی‌مهار می‌شود و هشیاری و خویش‌ن‌داری را از دست می‌دهد. یا خسته، منفعل و بی‌تحرك می‌شود. به جای آن، وقتی گرد هم می‌آیید، بگذارید از روح خدا پر شوید. **از ثروت و کلام مسیح سخن بگویید.** آری، بگذارید با یکدیگر و متقابلاً به واسطه روح برانگیخته و پر شوید، با اینکه با هم از دل برای خداوند می‌سرایید و برایش هلهله می‌کنید. و با سازهایتان بنوازید. **ستایش با مزامیر و سرودهای روحانی ما را از مسیح و از شادی آسمان پر سازد.** آری، همیشه، در هر فرصتی، در دل‌هایتان، اما با صدای بلند نیز، خدای ما را به نام عیسی شکر گوئید. این تنها پاسخ شایسته است وقتی کسی فیض خدا را شناخته است و هر روز آن را تجربه می‌کند. در این میان همه **تسلیم یکدیگر** باشید، با ترس و احترام نسبت به مسیح، همان‌گونه که تسلیم مسیح هستید. خود را بالاتر از یکدیگر ندانید. اراده خود را تحمیل نکنید. دیگری را برتر از خود بشمارید.

محبت خدا: مسیح و کلیسایش - سر و بدن - شوهر و همسر - احترام و محبت 22:5-33

ای زنان، تسلیم شوهرانتان باشید، در حضور خداوند. زیرا سر در این عهد ازدواج مرد است، درست همان گونه که مسیح موعود سر کلیسا، همسرش، و بدنش است. مسیح موعود نجات دهنده بدنش است، یعنی کلیسایش، که از همه شاگردان تشکیل شده است. همان گونه که کلیسا تسلیم مسیح، سر خود، است، همسران نیز تسلیم شوهرانشان هستند. کلیسا به واسطه یگانگی با مسیح برکت یافته است. همین گونه یگانگی ازدواجتان باید برای همسران برکت باشد.

ای شوهران، این بدان معنا نیست که بر همسرانتان فرمانروایی کنید، چنان که اربابی بر غلامانش یا فرمانروایان بر رعایایشان. نه، همسرانتان را درست همان گونه دوست بدارید که مسیح موعود کلیسایش را دوست داشت و خود را به تمامی برای او فدا کرد. تا پای مرگ. تا این اندازه پیش رفت. **محبت او چنین عظیم بود.** او هدف داشت که کلیسا را کاملاً مقدس سازد، با این کار که او را از بدبختی اش بیرون آورد و به سوی خود کشید. او را چیزی ویژه ساخت، با مقدس ساختنش. می بایست او را از هر آلودگی گناه پاک کند، با شستنش به آب کلام انجیل. این کار را هنوز هم می کند؛ پیوسته و هر روز محبت ماندگار او در آن نمایان می شود. او می خواهد عروس محبوبش را در برابر خود، داماد، بنشاند، در تمامی زیبایی و جلالی که به او بخشیده است. **دیگر هیچ چیز در او نیست که یادآور جایی باشد که روزی از آن آمده بود.** او اکنون عروس مسیح است، **مقدس و بی عیب.**

چرا این را برایتان می نویسم؟ چون شما شوهران مدیون و موظفید که همسرانتان را درست مانند بدن های خودتان دوست بدارید و از آنان مراقبت کنید. یگانگی ازدواجتان چنان پیش می رود که گویی وقتی همسرانتان را دوست می دارید، بدن خود، آری، خودتان را دوست می دارید. و این بی نیت های خودخواهانه پنهان. بی معنا می بود اگر چنین نمی کردید، زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد. آن را

می‌پرورد و غذا می‌دهد، همان‌گونه که مسیح موعود نیز کلیسایش را. زیرا ما اعضای بدن او هستیم. موسی در آغاز می‌نویسد که خدا پدید آمدن پیوند ازدواج را چگونه در نظر داشت: مرد پدر و مادر را ترک خواهد کرد، کاملاً مستقل خواهد شد و دیگر به آنان وابسته نخواهد بود. او با همسرش در یگانگی‌ای تازه پیوند خواهد یافت. این دو یک بدن خواهند شد. این به‌راستی رازی بزرگ است، که می‌توان بارها و بارها در برابرش شگفت‌زده شد، وقتی دو انسان این‌گونه یکی می‌شوند. **آنچه بزرگ‌تر است: درست همین حتی دربارهٔ مسیح و کلیسایش نیز صدق می‌کند.** از این رو، با نگاه به این الگوهای واقعی و ژرف، هر یک از شما مردان باید همسرش را دوست بدارد، همان‌گونه که خود را دوست می‌دارد. زن باید به مرد احترام بگذارد. **محبت و احترام باید هر روز ازدواجتان را شکل دهد و بدین‌سان آن را حفظ کند.** تنها بدین‌سان می‌توانید به‌تمامی شکوفا شوید و در آنچه خدا به شما بخشیده است، برکتی باشید. شکلی بهتر برای ازدواج وجود ندارد!

والدین و فرزندان 1:4-6

من تنها برای بزرگسالان نمی‌نویسم. خدا با کودکان نیز سخن می‌گوید. از والدینتان در خداوند اطاعت کنید. این نیکو و درست است، حتی اگر گاهی دشوار باشد و والدین نیز خطا کنند. موسی در ده فرمان یکی را به کودکان اختصاص داد. این تنها فرمانی است که وعده‌ای با خود دارد: پدر و مادر خود را احترام نما، تا تو را عافیت باشد و عمر دراز بر زمین کنی. به کلام او ایمان داشته باشید و آنچه خدا می‌گوید انجام دهید! ای پدران، در تربیت فرزندان پرمحبت و حساس باشید، تا آنان با رغبت اطاعت کنند. به آنان علاقه نشان دهید. محبتتان را نشان دهید و ثابت کنید! آنان را با سخت‌گیری‌ها و خواسته‌های افراطی دلسرد نکنید! اگر در برابر شما سرکشی می‌کنند، ممکن است علتش خود شما باشید. الگو باشید! آنان را به اندیشه و رفتار نیکو تربیت کنید، چنان‌که خداوند را خشنود می‌سازد.

به‌عنوان غلام، خداوند آسمانی را خشنود ساختن 8-6:5

ای غلامانِ در مسیح، از اربابان زمینی‌تان با تمام وجود اطاعت کنید. بی‌آنکه همه‌چیز را زیر سؤال ببرید یا انتقاد کنید، آن هم همان‌گونه که از مسیح اطاعت می‌کنید. اما نباید از آن رو بخواهید اربابان ایماندار یا بی‌ایمانتان را خشنود کنید که ستایش آنان را به دست آورید. به‌عنوان غلامان مسیح از آنان اطاعت کنید، که اراده‌ی خدا را با رغبت و از دل انجام می‌دهند. پس با میل و با انگیزه‌ی نیکو خدمت و اطاعت کنید، گویی مستقیماً برای خداوند است و نه برای انسان‌ها. هرگز فراموش نکنید که این کار را بیهوده نمی‌کنید. ارزشش را دارد. خداوند هر کار نیکی را که می‌کنیم پاداش خواهد داد. گاهی در همین زمان، اما بی‌گمان وقتی میراثمان را در جلال جهان تازه به دست آوریم. این البته برای همه‌ی شاگردان صادق است.

ارباب زمینی و خداوند آسمانی 6:9

ای اربابان ایماندار و صاحبان غلامان: شما نیز باید به غلامانتان نیکی کنید. از تهدید پیوسته آنان به مجازات دست بردارید. فقط تصور کنید که آنان را ناروا تهدید می‌کنید، در حالی که آنان خداوند و سرور بزرگشان را در آسمان دارند که پشتیبانشان است. و افزون بر این، او خداوند و سرور شما نیز هست. او نه به ظاهر اشخاص نگاه می‌کند و نه به جایگاه اجتماعی. در برابر او هیچ‌کس بیش از دیگری حق یا فیض ندارد. پس تهدید نکنید، به‌ویژه نه برادران را.

جنگ تا پایان: نیرومند شوید 6:10

کم کم به پایان نزدیک می شوم. می خواهم شما را برای نبرد روحانی ای که هر روز در آن هستیم، آماده و یکدل سازم. به لحاظ روحانی در حالت جنگ هستیم، تا پادشاهی خدا آشکارا بیاید. هرگز این را فراموش نکنید و از آن هم تعجب نکنید. از این رو نخست شما را فرا می خوانم که به عنوان جنگاوران مسیح، در خداوند نیرومند شوید. **در قدرت توانایی عظیم او زور آور شوید**، که بارها از آن سخن گفته ام. این نیرو در دسترس است، هرچند بیشتر وقت ها بی سروصدا، بی جلوه و حتی در ضعفی که احساس می شود تجربه می گردد.

مجهز برای جنگی روحانی 12-6:11

اسلحه کامل خدا را بپوشید، که او می‌خواهد ما را با آن مجهز سازد. به آن نیاز داریم تا در برابر حيله‌ها، نیرنگ‌ها و ترفندهای ابلیس ایستادگی کنیم. او با این‌ها پیوسته به ما، به همه پسران و دختران خدا، حمله می‌کند. کلیسا نخستین هدف حمله اوست، هرچند او پیش‌تر از مسیح شکست خورده است. **اما بی‌اسلحه خدا، پیش از آنکه نبرد آغاز شود، باخته‌ایم.** نبرد ما با انسان‌ها نیست، بلکه با قدرت‌های شریر و دشمن جهان نادیدنی. لشکرهای کاملی از موجودات دشمن هست، در رتبه‌های گوناگون، که روزگاری خدا آنان را در آن رتبه‌ها آفرید. اما آنان به رهبری ابلیس بر آفریدگارشان شوریدند و اکنون می‌خواهند هر آنچه را خدا در مسیح آفریده است نابود کنند. اینان ریاست‌ها و فرمانروایان جهان ظلمت‌اند. در ظلمت روحانی و گناه‌آلود خانه دارند. نیروهای روحانی شرارت، که جز بدی برای ما در سر ندارند. از این رو باز می‌گوییم که اسلحه کامل خدا را بپوشید و تنها چند تکه از آن را برندارید. در زندگی ما روزهای بدی هست که این قدرت‌ها به‌ویژه در آن‌ها می‌کوشند. آنگاه باید و می‌توانیم در قدرت مسیح ایستادگی کنیم. اما وقتی چنین نبردهایی باز هم به پایان رسید، باید مراقب باشیم که سست نشویم. آنگاه استوار می‌مانیم، تا در دوره‌ای آرام‌تر ناگهان غافلگیر نشویم.

اسلحهٔ خدا به تفصیل 17-6:13

اسلحهٔ خدا یک کل است و از بخش‌های گوناگون تشکیل شده است. که همه به هم پیوسته‌اند. در واقع این اسلحه از همهٔ آن چیزی تشکیل شده است که در این نامه پیش‌تر برایتان نوشته‌ام. **کمر بند** بر کمر نماد **حقیقت** است، حقیقت دربارهٔ خدا، دربارهٔ مسیح و آنچه او کرده است. اما این همچنین راستی و حقیقتِ عملی در زندگی ماست، چنان‌که پیش‌تر به شما گفتم. **جوشن** نماد **عدالت** خداست، که ما به‌عنوان کسانی که خدا عادلشان شمرده است، آن را در بر کرده‌ایم. اما ما عدالت خدا را زندگی نیز می‌کنیم و آنچه را با او سازگار است انجام می‌دهیم. **کفش‌های** محکم برای هر زمینی، آمادگی و غیرت ما را نشان می‌دهند که **انجیل** صلح را، که خود اجازه یافتیم بپذیریم، به کسانی برسانیم که هنوز در اسارت قدرت‌های شریرند. **سپر** نماد **ایمان** و اعتمادی است که در همهٔ وضعیت‌های زندگی به خدای خود داریم، زیرا او همیشه می‌تواند یاری کند. به‌واسطهٔ ایمان نجات یافته‌ایم، اما عادل نیز پیوسته از ایمان زندگی می‌کند. تنها بدین‌سان قادریم تیرهای بس شریرانه و آتشین آن شریر را دفع و خاموش کنیم. این نیز جزو آن است که سرمان را با **کلاهخود**، که از **نجات** سخن می‌گوید، محافظت کنیم. تا اندیشیدن، شنیدن و دیدن آسیب نبیند. نجات از آن ماست: نجات یافته‌ایم، هر روز نجات می‌یابیم و روزی، در روز رستگاری، به درون پادشاهی او نجات داده خواهیم شد. هیچ‌کس نباید این یقین را از ما برباید.

با **شمشیر روح**، که **کلام خدا** است، از خود دفاع کنید. اما در نبرد به پیش نیز بروید. این سلاح خودِ سخن گفتن خداست، کلام خدا، که به‌واسطهٔ روح زنده و دقیق به هدف به کار می‌رود. به عیسی بنگرید، که در این کار الگوی بزرگ ماست.

سلاحی دیگر: دعا و تضرع پیوسته 20-6:18

سلاح دیگری را نیز باید به دست گیرید. شاید مهم‌ترین را. در هر زمان با دعا و تضرعی پرشور دعا کنید. برانگیخته به واسطه روح خدا. به تنهایی و با هم. بلند و آهسته. **هرگز نمی‌توانید به اندازه کافی یا بیش از اندازه دعا کنید.** در دعا و تضرع پایدار بمانید، آن هم برای همه مقدسین و نگرانی‌ها و تنگی‌هایشان. اما برای من نیز این کار را بکنید، تا خبر خوش را با کلماتی مناسب و بجا، قابل فهم اعلام کنم. و تا دلیر باشم. آخر من باید و می‌خواهم راز انجیل را، که در این نامه برایتان وصف کردم، همه‌جا اعلام کنم. برای همین فرستاده شده‌ام، هرچند اکنون در زنجیر در زندان نشسته‌ام. برایم مهم است که به واسطه شفاعت شما یاری خداوند را تجربه کنم، زیرا سخنور خوبی نیستم.

سخنان پایانی 24-6:21

این نامه را تیخیکس، برادر عزیز و خادم وفادار من در خداوند، به شما خواهد رساند. او خواهد توانست از اوضاع من به شما گزارش دهد. باید بدانید حال من چگونه است. آنگاه می‌توانید برایم دعا کنید و تسلی خواهید یافت.

برای همه برادران و خواهران ایمانی، هر چه بیشتر سلامتی و محبت خدا را آرزو می‌کنم، در اعتماد به او، خدا و پدر ما، و خداوند ما عیسی مسیح.

فیض خدا را برای همه کسانی آرزو می‌کنم که خداوند ما عیسی مسیح را به‌راستی دوست دارند! که نزد او می‌مانند، با انجام دادن آنچه او می‌گوید. و او را در برابر انسان‌ها اعتراف می‌کنند.